

محرمان از اجابت دعا بر اساس روایات

محمدحسن رستمی

دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

معصومه طاهریان قادی*

دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱)

چکیده

دعا یکی از اسباب معنوی در عالم است، اما گاهی در اجابت آن موانعی ایجاد می‌شود و عده‌ای از اجابت دعایشان محروم می‌گردند. مقاله حاضر با روشی توصیفی-تطبیقی روایات مربوط به عدم اجابت دعا را بررسی کرده‌است. این روایات گروهی از افراد را نام می‌برد که دعایشان مورد اجابت قرار نمی‌گیرد؛ که عبارتند از: عریف (والی حکومت)، عشار (گیرنده مالیات)، داروغه، صاحب طبل و طنبور، شاعر، کسی که زنش را نفرین می‌کند در حالی که می‌تواند او را طلاق دهد، فردی که همسایه‌اش را نفرین می‌کند در حالی که می‌تواند خانه‌اش را تغییر دهد، فردی که پولش را بدون گرفتن شاهد قرض داده و پولش را خورده‌اند، کسی که بدون تلاش از خدا روزی می‌خواهد، کسی که در قطع رحم و علیه والدینش دعا کند. علت‌های عدم اجابت دعا نیز در روایات دیگری آمده‌است، که با انطباق آن علت‌ها با روایات مورد بحث، علت استثناء شدن این افراد مشخص می‌گردد؛ که شامل ظلم، تنبلی و تخلف این افراد از عوامل الهی است. این‌ها تنها نمونه‌ای از مصادیق فراوانی هستند که دعایشان مستجاب نمی‌شود و علاوه بر این‌ها می‌توان مصادیق دیگری نیز برای این گروه ذکر کرد.

واژگان کلیدی: دعا، استجاب، روایات، قرآن، محرومیت از اجابت.

* Email: masom.ghadi@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

دعا رابطه عاشقانه مخلوق با خالق است، دعا کیفیت، روح و معنا به زندگی می‌بخشد و عمیق‌ترین لایه روح انسان را با حقیقت هستی پیوند می‌دهد. اهمیت نیایش و دعا را می‌توان از آیاتی فهمید که خود به صورت دعا آمده‌اند (ر.ک؛ بقره/۲۰۰، ۲۰۱، ۲۵۰، ۲۸۶ و آل عمران/۸، ۱۶، ۱۹۳، ۱۹۴ و ابراهیم/۴۱)، علاوه بر آن آیاتی نیز در قرآن وجود دارد که امر به دعا کرده‌اند (ر.ک؛ بقره/۱۸۶ و غافر/۶۰). حقیقت دعا چیزی غیر از توجه کردن فرد ناقص به کمال مطلق و احساس نیاز و فقر و وابستگی به او نیست. مساله دعا و باور به استجابت برخی از دعاها از مسائل پذیرفته شده‌ی همه ادیان شناخته شده‌است، بازتاب این مسئله را می‌توان در مناجات حضرت زکریا (ع)، حضرت عیسی (ع) و پیشوایان سایر ادیان، در قرآن مشاهده کرد (ر.ک: مریم/۵-۷ و مائده/۱۱۴) بلکه با رجوع انسان‌ها به پروردگار در زمان خطرات و ناامیدی از همه کس و همه چیز (ر.ک؛ عنکبوت/۶۵ و زمر/۸ و لقمان/۳۲)، می‌توان ادعا کرد هر انسانی در فطرت و درون خود به خواستن و دعا از او باور دارد.

آثار فراوانی در مورد دعا تألیف شده‌است؛ از جمله این آثار مفتاح الفلاح شیخ بهائی، عده الداعی ابن فهد حلی، قوت القلب ابو طالب مکی، اقبال سید بن طاووس، نور علی نور در ذکر ذاکر و مذکور علامه حسن زاده آملی نمونه‌ای از این آثار است که به حقیقت دعا و شرایط و لوازم دعا پرداخته‌اند. در برخی از آثار پژوهشی نیز از جنبه‌های فلسفی به رابطه اراده الهی، قانون علیت و قضا و قدر، با اجابت دعا پرداخته شده‌است که از جمله این آثار می‌توان به مقالات «تأثیر دعا در نظام آفرینش از منظر سه فیلسوف (ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبائی)» (ساجدی و زارع: ۱۳۹۳) و «بررسی و نقد دیدگاه ونسان برومر در باب تعارض دعا و نظام عالم با تکیه بر آرای علامه طباطبائی» (میبدی و کوچانی: ۱۳۹۰) اشاره کرد.

اگرچه در آثار برخی از محققان، از دلایل عدم اجابت دعا، مطالبی بیان شده است اما در باب دعا روایاتی وجود دارند که افراد و اقشار خاصی را از قانون کلی اجابت دعا، محروم دانسته اند؛ قانون کلی اجابت دعا از آیاتی مانند (وَ إِذَا سَأَلْتَكَ عِبَادِي عَنِّي فَانِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي) (بقره / ۱۸۶) یعنی «و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم»؛ و (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (غافر / ۶۰) یعنی «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» به دست می آید؛ این سؤال پیش می آید که افراد استثنا شده دارای چه ویژگی و خصلتی بودند، تا آن ویژگی را بتوان دلیل اصلی محرومیت از آن‌ها دانست.

این مقاله در جستجوی معرفی این افراد است تا با رویکرد روایی دلیل این محرومیت از اجابت، کشف گردد. یکی از فوائد و نتایج این پژوهش، این خواهد بود که محرومین از اجابت، منحصر در موارد مذکور نگردد و با تطبیق دلایل بر مصادیق جدید، گروه‌ها و افرادی که در این جمع قرار می گیرند توسعه یابند. برای این منظور بعد از تبیین معنای اجابت دعا، روایاتی که به معرفی محرومین از اجابت دعا می پردازند، عرضه می گردند؛ با بررسی اسناد این روایات، میزان اعتبار سندی آن‌ها بیان می شود؛ در ادامه با جستجو در آثار روایی شیعه دلایل عدم اجابت دعا استخراج می گردد و در نهایت با تطبیق این دلایل بر روایات مورد نظر این پژوهش، دلیل عدم اجابت درخواست آن‌ها در بارگاه الهی تبیین خواهد شد.

۱. معنانشناسی اجابت و استجاب

اجابت و استجاب، در لغت از ریشه «جوب» به معنای بریدن است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶: ۱۹۲ و راغب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۱۰)؛ اجابت در واقع بریدن و پایان دادن به سخن و درخواست گوینده است، در حقیقت خداوند با اعطاء مطلوب سخن سائل را قطع می کند (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۶). گویند: «استجاب» به معنای «اجابت» است (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۸۳ و راغب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۱۰) و حقیقت آن مهیا شدن

برای جواب است، ولی چون مهیا شدن در اغلب موارد جدای از اجابت نیست، اجابت را نیز استجاب معنا کرده‌اند (ر.ک؛ راغب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۱۰) و گفته‌اند: عطا کردن چیزی بعد از طلب و درخواست آن استجاب و اجابت نامیده می‌شود و در اصل این دو واژه، قبول و حاصل شدن مراد نهفته است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۳۶).

اما برای یافتن معنای اصطلاحی «اجابت» و «استجاب» مناسب‌ترین روش مراجعه به احادیث است برای نمونه، در سخنان امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده‌است: «بسا باشد چیزی که از خدا مسألت نمایی ولی آن خواسته به تو داده نمی‌شود، ولی در مقابل بهتر از آن خواسته یا در این دنیا یا در آخرت نصیب می‌شود، یا آن خواسته به جهت آن‌چه که برای تو بهتر است از تو بر می‌گردد... گاهی اجابت دعا برای بزرگتر نمودن پاداش دعاکننده و فراوان بودن عطای آرزو کننده به تأخیر می‌افتد» (ر.ک؛ شریف‌الرضی، ۱۳۸۵: ۸۳۴، ن ۳۱). روایت دیگری نیز از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم آمده‌است که فرمودند: «الدُّعَاءُ مَخُ الْعِبَادَةِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو اللَّهَ بِدُعَاءٍ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ إِمَّا أَنْ يُجَلَّلَ لَهُ فِي الدُّنْيَا أَوْ يُجَلَّلَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ وَإِمَّا أَنْ يُكْفَرَ عَنْهُ مِنْ ذُنُوبِهِ بِقَدَرِ مَا دَعَا مَا لَمْ يَدْعُ بِمَا أَنْتُمْ» (حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۷: ۲۷)، یعنی وقتی مؤمنی دعا می‌کند یا در دنیا به او داده می‌شود و یا در آخرت، و یا به اندازه‌ای که دعا می‌کند از گناهانش کم می‌شود.

همان‌طور که گفته‌اند، اجابت دعا غیر از برآوردن حاجات است، زیرا مقصود از استجاب چنان‌که از اخبار و آیات استفاده می‌شود این است که، هنگامی که بنده روی دل بسوی بی‌نیاز مطلق گردانید و از وی چیزی را درخواست نمود او نیز به لطف و کرم خداوندیش او را می‌پذیرد و جواب می‌دهد، لیکن عطای مورد درخواست او تفضّل دیگری است که منوط به مصلحت و حکمت است (ر.ک؛ داورپناه، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۹۰) و گاهی نیز تأخیرهای طولانی مدت در رسیدن به مورد دعا روی می‌دهد که این به معنای این نیست که در اجابت تأخیر افتاده‌است، بلکه ممکن است دعا مستجاب شده باشد ولی ظهور آثار آن به خاطر یک سلسله مصالح، مدّتی به تأخیر افتد؛ چنان‌چه در تفسیر گفتار

خدای تعالی (قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا) (یونس/۸۹) که خدا به موسی و هارون که دعا کردند: «پروردگارا اموال ایشان (فرعون و یارانش) را تباه ساز» خطاب فرمود: «همانا دعای شما مستجاب شد»، در حدیث آمده است که میان این خطاب و میان غرق فرعون و نابودی پیروانش چهل سال فاصله بود (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۱، ج ۴: ۳۹۸ و گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۴۱۴).

۲. اهداف دعا

اگر چه در فرهنگ قرآنی، دعا و اجابت ملازم هم هستند (انیسا/۸۳-۸۴، یونس/۸۸-۸۹)، اما هدف اصلی دعا اجابت نیست؛ در نوشته‌های دکتر شریعتی آمده است: «دعا کردن یعنی خواستن و تکرار خواست‌ها؛ نیازها همچون شعار و تلقین اصول اعتقادی است؛ همچون با تازیانه نیایش، زنده نگه داشتن درخواست‌ها و ایده‌آل‌های مقدس انسان است، برای این که روح در بند مادیات و روزمرگی و ابتذال نماند» (شریعتی، بی تا: ۳۰). با دعا ارتباط بی‌واسطه بین بنده و خالق برقرار می‌گردد، با استمرار این ارتباط، مؤانست و قرب حاصل می‌شود.

با توجه به آیه (وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) (غافر/۶۰) خود دعا موضوعیت دارد، یعنی سرپیچی کردن از این امر الهی، نشان از تکبر بنده است که نتیجه‌اش دخول در آتش خواهد بود. با این وجود، یکی از اهداف دعا، اثبات تواضع بنده در مقابل خالق است، زیرا دعا از این حقیقت خبر می‌دهد که بنده در تکامل حیات خویش و برطرف کردن تمامی نیازهایش، نیازمند قدرت مطلق خالق خود است، در حقیقت دعا نمایش دائمی فقر بنده در مقابل خالق است.

برخی از اهداف دعا، در زمان تأخیر در اجابت آن بروز می‌یابد، در این موارد خداوند برای پرورش روح توحید و میراندن تکبر، دعای بنده محبوب را به تأخیر می‌اندازد (ر.ک؛ برارش، ۱۳۶۸: ۶۵). از اهداف و فواید دیگر دعا می‌توان به آرامش روح و

اطمینان قلب، برطرف شدن نگرانی‌ها و اضطراب‌ها، ارتباط مغز و فکر نیایش گر با مبدأ بی‌نهایت علم و قدرت آفریدگار، و تشخیص راه صواب از خطا اشاره کرد (ر.ک؛ مصطفوی کرمانی، ۱۳۵۱: ۱۲۵ و ۱۷۷). شاید بتوان هدف اصلی دعا را هم‌سان با هدف عبادت گرفت، یعنی تقرب به خدا و ذکر و یاد خدا که نتیجه‌اش می‌تواند تمامی موارد و فوایدی باشد که در بالا بیان گردید.

۳. عدم استجاب دعا

بر اساس روایات، از بین افرادی که حاجت به درگاه الهی می‌برند، تعدادی دعایشان به سوی خودشان برگردانده می‌شود و از اجابت محروم می‌شوند، این افراد از قانون کلی اجابت دعا، تخصیص می‌خورند. برای این که بدانیم به چه علت دعای این عده برآورده نمی‌شود، ابتدا به بیان روایاتی می‌پردازیم که افراد محروم از اجابت را معرفی می‌کنند و سپس برای بررسی و ریشه‌یابی علت این تخصیص، از روایاتی دیگر کمک می‌گیریم، روایاتی که علت و خصلت‌هایی را بیان می‌کنند، که به سبب آنها دعا بر آورده نمی‌شود.

۳-۱. انواع روایات

در روایات زیر نام افراد و گروه‌هایی برده شده که، دعایشان مستجاب نمی‌شود، این روایات در سه دسته جای می‌گیرند:

۳-۱-۱. روایات دسته اول

حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه هفت گروه شغلی را نام می‌برد که دعایشان مستجاب نمی‌شود. برای این روایت مستنداتی در سایر منابع نیز وجود دارد. این افراد شامل: والی حکومت، داروغه، شاعر، گیرنده خراج و مالیات و صاحب طنبور و طبل‌اند.

الف. وَ عَنْ نَوْفِ الْبِكَالِيِّ قَالَ: «رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) ذَاتَ لَيْلَةٍ وَقَدْ خَرَجَ مِنْ فِرَاشِهِ فَتَنَظَرَ [إِلَى] فِي النُّجُومِ فَقَالَ ... يَا نَوْفُ إِنَّ دَاوُدَ عَ قَامَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ إِنَّهَا لَسَّاعَةٌ لَا يَدْعُو فِيهَا عَبْدٌ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَشَارًا أَوْ عَرِيفًا أَوْ شَرْطِيًّا أَوْ صَاحِبَ عَرَطْبَةٍ وَ هِيَ الطَّنْبُورُ أَوْ صَاحِبَ [كُوبَةٍ] كُوبَةٌ وَ هِيَ الطَّبْلُ وَ قَدْ قِيلَ أَيْضًا إِنَّ الْعَرَطْبَةَ الطَّبْلُ وَ [الْكُوبَةُ] الْكُوبَةُ الطَّنْبُورُ» (شريف الرضى، ۱۳۸۵: ۱۰۱۴، ح ۱۰۴).

ب. وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي يُوَيْبِ بْنِ نُوحِ بْنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُسَلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ بْنِ نَوْفٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ «... فَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ خَرَجَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَتَنَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ أَمَّا إِنَّهَا السَّاعَةُ الَّتِي لَا تُرَدُّ فِيهَا دَعْوَةٌ إِلَّا دَعْوَةُ عَرِيفٍ أَوْ دَعْوَةُ شَاعِرٍ أَوْ دَعْوَةُ عَاشِرٍ أَوْ شَرْطِيٍّ أَوْ صَاحِبِ عَرَطْبَةٍ أَوْ صَاحِبِ كُوبَةٍ» (حرعاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۷: ۳۱۵).

۳-۱-۲. روایات دسته دوم

دسته‌ای از روایات نیز موجودند که تعداد دیگری از افراد را معرفی می‌کند که محروم از اجابت‌اند؛ این افراد عبارتند از: مردی که پدر و مادرش را نفرین کند، مردی که در خانه نشسته و می‌گوید: پروردگارا به من روزی بده و دنبال تحصیل روزی نمی‌رود، مردی که همسرش را نفرین کند، و مردی که دعایش بریدن از اقوام و قطع رحم است، آن مردی است که خداوند مالی به او بدهد و آن را در غیر مورد شایسته‌اش خرج کند، سپس بگوید: خدایا به من روزی بده، مردی که همسایه خود را نفرین کند، مردی که مالی را بدون شاهد و گواه به دیگری وام دهد و برای دریافت طلبش از مدیون منکر، به درگاه خداوند متعال رو آورد و از او استمداد جوید. این مضامین در روایات زیر مطرح شده‌است:

الف. «... جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى صَ أَنْ أَصْنَفًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعَاؤُهُمْ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى غَرِيمٍ ذَهَبَ لَهُ بِمَالٍ وَ لَمْ يُشْهَدْ عَلَيْهِ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ تَخْلِيَةَ سَبِيلِهَا بِيَدِهِ وَ رَجُلٌ يَقْعُدُ فِي الْبَيْتِ وَ يَقُولُ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي وَ لَا يَخْرُجْ يَطْلُبُ الرِّزْقَ ... وَ رَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا كَثِيرًا فَأَنْفَقَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ يَدْعُو يَا رَبِّ ارْزُقْنِي ... وَ رَجُلٌ يَدْعُو فِي قَطِيعَةِ رَحِمٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۳۵۰ و ۳۵۱).

ب. عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ مُخْتَارٍ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «... وَ لَكِنْ أَحْسَى أَنْ تَكُونَ كَأَحَدِ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: رَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ؛ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ أَنْ يْرِيحَهُ مِنْهَا، وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - أَمْرَهَا إِلَيْهِ؛ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى جَارِهِ، وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لَهُ السَّبِيلَ إِلَى أَنْ يَتَحَوَّلَ عَنْ جِوَارِهِ، وَ يَبِيعَ دَارَهُ» (كليني، ۱۴۰۱، ج ۴: ۳۹۳ و ۳۹۴).

ج. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: الرَّجُلُ جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَمْرُكَ بِالطَّلَبِ؟ وَ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ، فَدَعَا عَلَيْهَا، فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَهَا إِلَيْكَ؟ وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ، فَافْسَدَهُ، فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَمْرُكَ بِالْاِقْتِصَادِ؟ أَلَمْ أَمْرُكَ بِالْإِصْلَاحِ؟» ثُمَّ قَالَ (وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا) (الفرقان/۶۷)؛ وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ، فَأَدَانَهُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ، فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَمْرُكَ بِالشَّهَادَةِ؟» (كليني، ۱۴۰۱، ج ۴: ۳۹۴).

و مانند این حدیث به سند دیگر نیز از آن حضرت روایت شده است (ر.ک؛ همان: ۳۹۵).

د. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «ثَلَاثَةٌ تُرَدُّ عَلَيْهِمْ دَعْوَتُهُمْ: رَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا، فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي، فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَرْزُقْكَ؟ وَ رَجُلٌ دَعَا عَلَى امْرَأَتِهِ وَ هِيَ لَهَا ظَالِمٌ، فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَهَا بِيَدِكَ؟ وَ رَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ، وَ قَالَ: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي، فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ تَكَ السَّبِيلَ إِلَى طَلَبِ الرَّزْقِ» (همان: ۳۹۵ و ۳۹۶).

۳-۱-۳. روایات دسته سوم

حتی در مواقعی دعای نیکان نیز مستجاب نمی‌شود، آن زمانی است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر نکنند، یعنی زمینه را برای برگشت و توبه بدکاران فراهم نکنند، در این هنگام خداوند بدان را بر آن‌ها مسلط می‌گرداند و نیکانشان دعا کنند و مستجاب نشود. این مضمون در روایت زیر آمده‌است:

الف. حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْزُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ... «ثُمَّ قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ... وَإِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنِ مُنْكَرٍ وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُو عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» (صدوق، ۱۳۷۶: ۳۰۸).

۳-۲. بررسی سندی روایات

۳-۲-۱. گروه اول

در گروه اول دو روایت داریم که به نظر می‌رسد یکی باشند با اندکی تغییر؛ که اولی از نهج البلاغه می‌باشد، و دومی ضعیف است زیرا دارای دو راوی «نوف بن فضاله البکالی» و «عبدالاعلی» در سلسله سند روایت است، که مجهول‌اند و اصلاً نامشان در کتب رجالی نیامده‌است و روایتی که در نهج البلاغه آمده، در کتب متقدم با سند ذکر شده‌اند (ر.ک؛ اصبهانی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۷۹ و ج ۶: ۵۳ و بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۱۷۳) اگر چه در همه آنها روایت به نوف بکالی می‌رسد، که در کتب رجالی شیعه نامی از او نیامده‌است، اما، محمد تقی تستری در قاموس الرجال با نقلی که از کتاب مروج الذهب می‌آورد این روایت را می‌پذیرد، مبنی بر این که فردی دیگر آن حادثه را دیده و نقل کرده و بر آن صحه گذاشته است (ر.ک؛ تستری، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۴۱۳).

۳-۲-۲. گروه دوم

در گروه دوم اگر چه روایت اول سند ندارد، اما مضمون آن در روایات بعدی تکرار شده است، که آن روایات دارای سند است. روایات «ب» و «د» دارای سند صحیح‌اند (رک؛ کشی، ۱۳۴۸: ۳۲۰ و ۳۷۵؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۹، ۲۱۴، ۴۱۸، ۶۶، ۴۳۱، ۵۴، ۱۴۲، ۲۶۰، ۴۱۱ و ۳۹؛ طوسی، ۱۳۸۱ق: ۳۳۴ و ۴۲۴؛ طوسی، بی تا: ۴۶۰، ۲۹۱، ۱۱، ۱۵۶ و ۱۳۸؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴ق: ۹۶؛ ابن داود حلی، ۱۳۸۳ق: ۲۰۵، ۱۲۷ و ۳۶۲؛ ابن مطهر حلی، ۱۴۱۱: ۲۱۷، ۱۷۷ و ۵۲ و خویی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۸: ۲۵۸). در سلسله سند روایت «ج» «عبدالله بن ابراهیم بن ابی عمرو الغفاری» وجود دارد که در موردش گفته شده: «یلقی علیه الفاسد کثیرا» (ابن غضائری، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۵) با این که این روایت ضعیف است، اما دو روایت صحیحی که در این گروه مطرح شده‌اند مؤید این روایت است و می‌توان به صحت این روایت حکم داد.

۳-۲-۳. گروه سوم

روایت موجود در گروه سوم نیز تمامی رجال موجود در سندش مورد وثوق و امامی‌اند (رک؛ کشی، ۱۳۴۸: ۲۰۳ و ۵۵۶؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۸۳، ۴۲۲، ۱۷۷ و ۱۱۵؛ طوسی، بی تا: ۶۱، ۲۱۵، ۱۲۳، ۴۷ و ۱۰۵؛ ابن داود حلی، ۱۳۸۳: ۲۸۳ و ابن مطهر حلی، ۱۴۱۱: ۱۴، ۳۷، ۷۸ و ۱۶۹) و روایت، صحیح است.

۳-۳. دلایل برآورده نشدن دعا

علاوه بر این روایات که بیان گردید روایاتی نیز وجود دارند که به نوعی علت برآورده نشدن دعا را مطرح می‌کنند، که با استفاده از آنها می‌توان به این نکته پی برد که چرا گروه‌هایی که روایاتشان ذکر گردید دعایشان برآورده نمی‌شود. این علت‌ها عبارتند از:

۳-۳-۱. تزییع حقوق الهی

انسان نسبت به خالق مکلف به تکالیفی است که از سوی شارع مشخص گردیده است و در روابط بین بنده و خالق، نوعی عهد است که انسان موظف به وفای آن است، در صورت شکستن عهد، انتظار رعایت پیمان از جانب خداوند به دور از انصاف است. این مطلب در روایات زیر بیان شده است:

أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: (قَالَ لَهُ رَجُلٌ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر/ ۶۰) فَإِنَّا نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا، قَالَ: لَأَنْتُمْ لَا تَقُونَ لِلَّهِ بَعْثَهُ وَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ (أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ) (البقره/ ۴۰) وَاللَّهُ لَوْ وَفَّيْتُمْ لِلَّهِ لَوْفَى اللَّهُ لَكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۴: ۳۶۸).

ترجمه: خداوند عهدهایی بر گردن بنده اش دارد که باید عملی شوند تا خداوند نیز پیمانش - مبنی بر اجابت دعا - را وفا کند. امام صادق علیه السلام در پاسخ عده ای که از علت عدم استجاب دعا پرسیده بودند، فرمودند: به دلیل این که شما به عهدهای خود در پیشگاه خداوند وفا نمی کنید، در حالی که خدای تعالی می فرماید: به عهد من وفا کنید تا من به عهد شما وفا کنم. به خدا قسم اگر به عهد خدا وفا کنید، خدای متعال نیز به عهد شما وفا می کند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳: ۳۶۸).

با توجه آیات ۹۰ سوره غافر و ۲۰۶ سوره اعراف، یکی از اوامر الهی دعا کردن است، البته به شکل مطلق یعنی در هر حالی چه در راحتی و چه در سختی؛ پس می توان گفت دعا نکردن در راحتی و آسایش، تخلف از عهد الهی است و نتیجه اش عدم اجابت دعاست.

۳-۳-۱-۱. عدم استمرار دعا در همه حالات

غفلت انسان از خداوند ضررهای بسیاری را متوجه انسان می کند، انسان حتی لحظه ای نیز نباید از توجه به درگاه الهی غفلت کند، بایستی در خوشی ها به یاد او بود و با دعا و

ذکر الهی، ارتباط خود را حفظ کرد تا در هنگام دشواری این راه ارتباطی گسترده و هموار باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فِي الشَّدَّةِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۴: ۳۵۶).

ترجمه: هر کس دوست دارد در سختی ها دعایش مستجاب گردد، هنگام فراوانی نعمت و آسایش بسیار دعا کند.

خداوند به حضرت داود علیه السلام فرمود: «مرا در روزهای خوش و آسایش یاد کن تا من دعای تو را در روزهای گرفتاری و سختی اجابت کنم» (همان).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ تَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ اسْتُجِيبَ لَهُ - إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ - وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ صَوْتٌ مَعْرُوفٌ - وَ لَمْ يُحْجَبْ عَنِ السَّمَاءِ - وَ مَنْ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الدُّعَاءِ - لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ - وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ ذَا الصَّوْتِ لَا نَعْرِفُهُ» (همان: ۳۵۴).

ترجمه: کسی که در دعا پیش دستی نکند و فقط در وقت نزول بلا دست به دعا بردارد دعایش در آن وقت مستجاب نگردد و فرشتگان گویند: این آواز را نمی شناسیم.

در روایت دیگری آمده است که به او می گویند: تا امروز کجا بودی؟ (همان: ۳۵۷).

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «الدُّعَاءُ بَعْدَ مَا يَنْزِلُ الْبَلَاءُ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ» (همان: ۳۵۸ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳: ۳۱۴).

ترجمه: دعا کردن بعد از نازل شدن بلا سودی ندارد.

۳-۲-۳. تضييع حقوق ديگران

دسته‌ای از ظلم‌ها عامل عدم اجابت دعا معرفی شده‌اند، یکی از ظلم‌هایی که در این مورد بر آن تصریح شده است، پایمال کردن حقوق دیگر افراد است. یکی از روایاتی که در این باب آمده است منقول از امام صادق علیه السلام است، که می فرماید:

* «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيُطِيبْ كَسْبَهُ وَ يُخْرِجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْفَعُ إِلَيْهِ دَعَاءَ عَبْدٍ وَ فِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳: ۳۲۱).

ترجمه: هرگاه یکی از شما بخواهد دعایش مستجاب شود، کار و کسب و راه در آمد و روزی خود را پاکیزه کند و خود را از زیر بار مظلمه‌هایی که از مردم برعهده دارد خلاص کند، زیرا دعای بنده‌ای که در شکمش مال حرام باشد به سوی خدا بالا برده نمی‌شود.

اگرچه تمامی انواع ظلم‌ها که به حق الناس شناخته می‌شوند، در شریعت اسلام نهی شده‌اند اما در کلام اهل بیت علیهم‌السلام بر تعدادی از آن‌ها، به عنوان موانع اجابت دعا تأکید شده است از جمله آن‌ها خوردن مال حرام و کسب حرام است.

در معارف اسلامی پیامدهای شوم فراوانی برای حرام خواری بیان شده است که در دنیا و آخرت دامن‌گیر فرد حرام‌خوار می‌شود، یکی از پیامدهای دنیایی آن در روایات زیر مطرح شده است:

* در حدیثی قدسی آمده است: «فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَى الْإِجَابَةِ فَلَا تُحْجَبُ عَنِّي دَعْوَةٌ إِلَّا دَعْوَةُ آكِلِ الْحَرَامِ» (همان: ۳۷۳).

ترجمه: بر شما باد دعا کردن و اجابت آن با من؛ جز دعای فردی که مال حرام خورده است، دعای سایرین به من خواهد رسید.

* امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيُطِيبْ كَسْبَهُ وَ يُخْرِجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْفَعُ إِلَيْهِ دَعَاءَ عَبْدٍ وَ فِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ» (همان: ۳۲۱).

ترجمه: هر یک از شما بخواهد دعایش برآورده شود، کسب خود را حلال کند، زیرا دعای فردی که در شکمش مال حرام است به سوی من بالا نمی‌آید.

۳-۳-۳. دعا بدون عمل

دنیا میدان اسباب و علل‌های مادی و معنوی است و دأب الهی بر این قرار گرفته که امور بر اساس اسباب و علل جاری شود، یکی از علت‌های معنوی حاکم در نظام طبیعت دعاست، اما در کنار آن علت‌های مادی نیز باید فراهم شود، روایت ذیل به این حقیقت اشاره دارد.

* «الدَّاعِي بِلاَ عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلاَ وَتَرٍ» (همان: ۳۱۲).

ترجمه: کسی که دعا می‌کند بدون عمل مانند تیر زنی است که کمانش زه ندارد.

۳-۳-۴. قساوت دل

منظور از قلب (دل) جسم صنوبری نیست، بلکه مراد روح انسانی است که بایستی به وسیله عبادت، اعمال صالح و انجام مستحبات و اجتناب از مکروهات مورد محافظت قرار بگیرد. یکی از پیامدهای بی‌توجهی به روح انسانی، قساوت قلب است که سبب می‌شود دعا مورد اجابت قرار نگیرد.

* امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ قَاسٍ» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۴: ۳۶۰).

ترجمه: بدرستی که خدای عز و جل اجابت نکند دعایی که از روی سخت‌دلی و با قساوت قلب همراه باشد.

۳-۳-۵. عدم حضور قلب در دعا

در هنگام دعا باید تمام توجه دعاکننده به خدا باشد. در روایت نیز آمده است: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ» (همان: ۳۵۸ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳: ۳۱۴).

ترجمه: دعای دل غافل پذیرفته نمی‌شود.

و در روایت دیگری نیز آمده: «يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ - دُعَاءَ بَظَهْرِ قَلْبٍ سَاهٍ - فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ، ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۴: ۳۵۸).

ترجمه: خداوند به راستی دعای کسی را که از روی دل غافل برخیزد نپذیرد و در این صورت هرگاه دعا کردی از دلت بخواه و سپس دعا کن و یقین داشته باش که پذیرفته می‌شود.

۳-۳-۶. عدم اطمینان به اجابت دعا

از روایت پیشین، این طور برداشت می‌شود که درجه اطمینان به اجابت دعا در رسیدن به خواسته دعا کننده موثر است. در روایات نیز بر این نکته تأکید بسیار شده است. برای نمونه در کافی آمده «إِذَا دَعَوْتَ، فَظَنَّ أَنْ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ» (همان).

ترجمه: وقتی دعا می‌کنی حاجتت را بر آورده شده فرض کن.

۳-۳-۷. عدم توجه به آداب و مقدمات دعا

علاوه بر حالاتی که در دعا کردن باید وجود داشته باشد، بایستی قبل از درخواست مقدمه چینی‌ای صورت بگیرد که با مشاهده ادعیه‌های رسیده از طرف ائمه علیهم‌السلام می‌توان به ضرورت این مقدمات پی برد.

در روایتی از امام ششم علیه‌السلام آمده است: «هر کس اوامر الهی را اطاعت کند و بعد او را با شرایط و جهات دعا بخواند خداوند دعایش را مستجاب می‌کند؛ این شرایط عبارتند از: اول خدا را حمد کنی، و بعد نعمت‌هایش را متذکر شوی و شکر آن‌ها را بجا آوری، بعد بر پیغمبر صلی‌الله‌و‌علیه‌و‌آله‌درود بفرستی، بعد گناهانت را بیاد آوری و به آن‌ها اقرار و از آن‌ها استغفار نمایی، این‌ها شرایط و جهات دعاست (طبرسی، بی‌تا، ج ۲: ۲۰).

۳-۴. بررسی محتوایی روایات

با جستجو در روایات معصومین علیهم السلام به علل عدم اجابت دعا دست یافتیم؛ اکنون به واکاوی این علت‌ها در روایات مورد بحث می‌پردازیم تا تمامی مصادیقی را که ائمه علیهم السلام محروم از اجابت معرفی کرده‌اند، علت‌یابی کنیم. هریک از مصادیق مذکور بعد از تحلیل در دسته علت‌های زیر قرار گرفته‌اند:

۳-۴-۱. مصادیق تخلف از تکالیف الهی (حق الله)^۲

* از جمله عهدهایی که انسان بر گردن دارد، عمل صالح است که مصادیق فراوانی دارد؛ مانند انجام واجبات، صله رحم، محبت به والدین و دعای خیر در حق آنهاست، پس اگر کسی در دعایش چیزی که موجب قطع رحم شود بخواهد یا کسی که دعا کند در حالی که قطع رحم نموده است یا کسی که والدینش را نفرین کند یا دعا کند در حالی که والدینش از او ناراضی‌اند، دعایش مستجاب نخواهد شد.

* از دیگر مصادیق اوامر الهی پرهیز از لهو و لعب است که در روایات نیز مذموم شمرده شده است برای نمونه در امالی صدوق آمده است: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْخَسْفُ وَالْمَسْخُ وَالْقَذْفُ قَالَ فَلْنَا بِهِمْ؟ قَالَ: بِاتِّخَاذِهِمُ الْقَيْنَاتِ وَ شَرْبِهِمُ الْخُمُورِ» (صدوق، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۲۲).

ترجمه: پیامبر علت مسخ و فرومایگی و تهمت در امت را، استخدام کردن افرادی می‌داند که آواز می‌خوانند و دلیل دیگر را نوشیدن شراب بیان می‌کنند.

پس علت برآورده نشدن دعای افرادی که طبل و طنبور می‌نوازند نیز تخلف آنان از امر الهی است.

در روایات یک سری از گناهان را سبب عدم اجابت دعا می‌دانند در حالی که هر گناهی تخلف از امر الهی است اما همان گونه که در دعای کمیل می‌خوانیم هر گناهی

نتیجه‌ای در بر دارد، یک سری از گناهان نیز هستند که سبب حبس دعا می‌شوند، که نمونه‌هایی از آن‌ها را در روایات می‌توان مشاهده کرد. در روایتی از امام سجاد علیه‌السلام در ذیل جمله «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ» آمده است: «گناهانی که سبب حبس دعا می‌شوند این‌هاست: بدی نیت، پلیدی باطن، نفاق با برادران مؤمن و ترک تصدیق اجابت ایشان، تأخیر نمازهای واجب، تا آنکه وقت آن بگذرد. فرمود اگر این موانع در بین نباشد همانا دعا کارگتر از نیزه و تیر است» (غفاری، ۱۳۷۳: ۱۳۶).

۳-۴-۲. مصادیق ظلم به دیگران

* با در نظر گرفتن علت ظلم و تضییع حقوق مردم، وجود قید «و هولها ظالم» در روایت «ثَلَاثَةٌ تُرَدُّ عَلَيْهِمْ دَعْوَتُهُمْ: ... وَ رَجُلٌ دَعَا عَلَى امْرَأَتِهِ وَ هُوَ لَهَا ظَالِمٌ...» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۳۹۵ و ۳۹۶)، می‌تواند این مطلب را برساند که دلیل مستجاب نشدن نفرین مردی در حق زنش با این که قدرت بر طلاق او دارد می‌تواند ظلم باشد. زیرا شارع قدرت طلاق را به مرد داده است پس نفرین او بر آن زن با این که قدرت بر خلاصی از او از راه دیگر دارد، ظلم و ستم است.

* ظلم به پدر و مادر نیز یکی از بزرگ‌ترین مظالم است که در بسیاری از روایات این ظلم را نیز دلیلی برای عدم اجابت دعا ذکر کرده‌اند. که در زیر نمونه‌ای از آن آورده شده است:

از حضرت ابی عبد الله علیه‌السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: «... گناهی که موجب رد شدن دعا و مستجاب نشدنش بوده و هوا را تیره و تار می‌کند عاق والدین می‌باشد» (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۵۵).

* والی حکومتی، داروغه، گیرندگان مالیات نیز از جمله افرادی معرفی شدند که دعایشان مستجاب نمی‌شود، لازم به تذکر است که این دسته به صورت مطلق منظور

نیستند، زیرا روایاتی نیز وجود دارند که می‌گویند حاکم عادل جزء افرادی است که حتماً دعایش مستجاب می‌شود (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۲۴) و از طرفی ظلم نیز یکی از موانع اجابت دعا بیان گردیده است، در نتیجه باید والی و کارگزاران حکومتی را در صورتی مشمول این روایات دانست، که قید ظلم در آنها وجود داشته باشد.

* در یکی از روایات یاد شده، شاعر نیز محروم از اجابت معرفی شده است، اما با توجه به این که شاعری که شعر نیکو بگوید، در روایات حکیم تلقی شده و شعر او نیز حکمت خوانده شده است: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةً» (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۸: ۲۲۷ و صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۷۹)؛ باید گفت، شاعرانی که با قدرت جذب اشعارشان، مردم را به محتوای ناصواب سوق می‌دهند و هنر را ابزاری برای اهداف ناصحیح خود دانسته و سبب انحراف افکار مردم و جامعه می‌شوند، مد نظر این روایات بوده است. بنابر این عمل این افراد که نوعی حق الناس و تضییع حقوق مردم است، از مصادیق ظلم قرار می‌گیرد و به عنوان مانعی در ارتباط با پروردگار و اجابت خواسته‌هایشان خواهد بود.

* در روایات مذکور یکی از علت‌های عدم اجابت دعا وجود نفرینی بر فرد بیان گردید، که ضد دعای اوست و در حقیقت تراحم دعاها اتفاق می‌افتد؛ از طرفی نفرین به جا نیز نتیجه ظلم است پس می‌توان گفت علت اصلی برآورده نشدن دعای چنین فردی، ظالم بودن اوست.

۳-۴-۳. مصادیق دعا بدون عمل

* دعای افرادی که برای اصلاح اوضاعشان کاری از دست خودشان بر می‌آید، اما بدون انجام هیچ کاری تنها دعا می‌کنند برآورده نخواهد شد. مانند مردی که به دلیل داشتن همسایه بد تنها به نفرین می‌پردازد و خانه‌اش را تغییر نمی‌دهد؛ و یا این که در خانه نشسته و بدون تلاش روزی می‌خواهد؛ و یا موردی که فرد می‌تواند زنش را طلاق دهد اما تنها به نفرین زنش اقدام می‌کند.

دکتر شریعتی چه زیبا گفته‌اند: «نیایش در نظر عده‌ای یک بنگاه کار گشایی است یا جبران کننده‌ی ضعف و تنبلی انسان است، در حالی که برای روح بزرگ و تشنه و عاشق، یک نیایش، معراج به سوی ابدیت است، پرواز به نقطه مطلق و صعود به ماوراء آنچه هست می‌باشد» (شریعتی، بی تا: ۳۱).

۳-۴-۴. آثار وضعی برخی از گناهان

طبق سنت الهی، برخی از گناهان آثار طبیعی و وضعی مشخص خود را دارند، آثار وضعی این گناهان به صورت فردی یا اجتماعی بروز می‌یابد و تا وقتی که مردم خودشان را اصلاح نکنند و دست از اشتباهات خود نکشند، آثار آن گناهان مستدام خواهد بود و هیچ دعایی اثر آن را برطرف نخواهد کرد؛ چون سنت‌های الهی همواره جاری است و بنای خداوند بر این قرار نگرفته است که سنت خود را تغییر دهد، مگر آن که مردم خود را تغییر دهند (ر.ک؛ الاحزاب/۶۲ و الفتح/۲۳). وقتی فردی کار اشتباهی را انجام می‌دهد باید تاوان آن کار را نیز پس دهد مگر آن که به تغییر روش و اصلاح خود پردازد؛ مثلاً فردی که امر به معروف نمی‌کند نتیجه کارش این می‌شود که به دلیل رواج فساد و از بین رفتن اتحاد افراد جامعه اشرار بر جامعه مسلط می‌شوند و بر اثر آن حتی با دعای بزرگان نیز اصلاحی در جامعه اتفاق نخواهد افتاد. مگر آنکه دوباره در آن جامعه امر به معروف و نهی از منکر انجام گیرد؛ یا در مواقعی که فرد در وظایف خود سهل انگاری کرده باشد، تاوان کار خود را خواهد دید. برای نمونه وامی به فردی داده است اما شاهد و گواهی بر آن نگرفته، اگر آن فرد چیزی را که از او گرفته است انکار کند، نفرین فرد وام دهنده و یا دعا برای به دست آوردن مالش اجابت نخواهد شد. هم چنین وقتی فردی مالی داشته است اما به دلیل استفاده نادرست و اسراف و بی‌مورد خرج کردن، آن مال را از دست دهد و دوباره از خداوند روزی بخواهد، دعایش برآورده نخواهد شد زیرا فقر و نداری نتیجه عمل خودش است.

نتیجه گیری

۱. دعا یکی از اسباب این عالم است که گاهی در اجابت آن موانعی ایجاد می شود. اگرچه خداوند وعده‌ی اجابت داده است، اما در مواقعی این سبب با اسباب دیگری در تعارض قرار می گیرد و سبب‌های دیگر بر دعا غلبه می یابند.

۲. دلایل بر آورده نشدن دعا در روایات عبارتند از: تضييع حقوق الهی، عدم استمرار دعا در همه حالات، تضييع حقوق دیگران، دعا بدون عمل، قساوت دل، عدم حضور قلب در دعا، عدم اطمینان به اجابت دعا و عدم توجه به آداب و مقدمات دعا. با دانستن این مطلب فهم روایات صحیح السندي که افرادی را محروم از اجابت دعا معرفی می کنند، آسان می شود.

۳. دعای افرادی که در قطع رحم دعا می کنند، یا والدینشان را نفرین می کنند، اجابت نمی شود، علت آن در تضييع حقوق خداوند و حقوق مردم است، زیرا یکی از مهم ترین حقوق الهی حق والدین و خویشان است.

۴. عدم اجابت دعای نوازندگان آلات لهو و لعب را نیز در تخلف از امر الهی باید جست.

۵. گروه‌های دیگر محرومین از اجابت، کسانی هستند که بدون عمل تنها دعا می کنند یا این که برای اصلاح اوضاعشان تنها به اسباب غیبی متوسل می شوند با این که اگر خود وارد عمل بشوند می توانند با اسباب مادی و توانایی خودشان به نتیجه برسند و در کنارش از امور غیبی نیز مدد بگیرند. این گروه شامل این افراد می شوند: فردی که زنش را نفرین می کند با وجود این که قادر است او را طلاق دهد، یا فردی که بدون تلاش برای کسب روزی حلال و زیاده روی در مصرف و سوء تدبیر خود اموالش را از دست داده است و دعا می کند خداوند به او روزی دهد، هم چنین فردی که با وجود قدرت فروش خانه، همسایه خود را نفرین می کند.

۶. بر اساس روایات، والی حکومتی، داروغه، گیرندگان مالیات، از جمله افرادی هستند که دعایشان مستجاب نمی‌شود، در علت این امر باید گفت این دسته به صورت مطلق منظور نیستند، آن دسته از والیان و کارگزاران حکومتی مدنظر هستند که قید ظلم در آنها وجود دارد.

۷. اگر چه شاعران جزو افرادی معرفی شده‌اند که دعایشان مستجاب نمی‌گردد، اما با توجه به معارف اسلامی، تنها شاعرانی که سبب انحراف جامعه می‌گردند شامل این روایت می‌شوند، علت این محرومیت را نیز باید در تضييع حقوق مردم و خداوند دانست.

۸. عده‌ای نیز مشکل‌شان نتیجه عمل خطای گذشته خودشان است و سنت الهی نیز بر این قرار گرفته است که نتیجه یک سری از اشتباهات در همین دنیا گریبان‌گیر فرد شود، مانند فردی که عاق والدین شده‌است یا فردی که صله رحم نمی‌کند. در مواردی باید پروسه زمانی آن مشکل طی شود و اسباب طبیعی دیگر نیز فراهم شود تا واقعه‌ای به وقوع بپیوندد.

۹. با تطبیق دلایل عدم اجابت دعا بر مصادیق جدید، می‌توان گفت افرادی که دعایشان مستجاب نمی‌شود منحصر به مواردی که در روایات آمده‌است نمی‌شود.

پی‌نوشت

^۱ نه تنها در ادیان ابراهیمی، بلکه در شبه ادیان آسیایی (بودیزم، هندوویزم، تائویزم، شینتویزم، زرتشتیزم) و نیز ادیان کاذب و فرقه‌های نوظهور می‌توان شاهد مناسک و مراسمی شبیه دعا خوانی نظیر ورد و ذکر بود(ر.ک؛ نجاتی حسینی، ۱۳۹۲: ۳۸، ۵۲-۵۱).

۲ گناهان از دو جنبه قابل توجه‌اند: در جنبه اول در رابطه انسان با خداوند، تمامی گناهان تخلف از حق الله محسوب می‌شود، اما از جنبه تعاملات انسانی، برخی از این گناهان با تزییع حقوق مردم نیز همراه می‌شود، به همین دلیل برخی از مظالم که در حق الله قرار می‌گیرند با حق الناس نیز اشتراک دارند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۷۶ش). *المالی*. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. چاپ ششم. تهران: کتابچی.

_____ (۱۳۸۰ش). *علل الشرائع*. ترجمه محمد جواد ذهنی
تهرانی. چاپ اول. قم: مؤمنین.

_____ (۱۴۰۴ق). *من لا یحضره الفقیه*. چاپ دوم. قم:
جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه فی قم.

ابن داود حلّی، حسن بن علی. (۱۳۸۳ق). *رجال ابن داود*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۷۶ش). *تحف العقول*. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. چاپ ششم. تهران: کتابچی.

ابن غضائری، احمد بن حسین. (۱۳۶۴ق). *رجال ابن الغضائری*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
ابن مطهر حلّی، حسن بن یوسف بن علی. (۱۴۱۱ق). *رجال العلامة الحلّی*. قم:
دارالذخائر.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.

- اصبهانی، ابی نعیم احمد بن عبدالله. (۱۳۵۱ق). *حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء*. مصر: مکتبه الخانجی و مطبعه السعاده .
- بازافکن، کاظم. (۱۳۸۲ش). «دعا، قضا و قدر». *مجله کیهان فرهنگی*. شماره ۲۰۳.
- برازش، علیرضا. (۱۳۶۸ش). *قرآن صاعده*. چاپ اول. تهران: امیر کبیر.
- بغدادی، خطیب. (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- تستری، محمد تقی. (۱۴۱۹ق). *قاموس الرجال*. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۱۰۴ق). *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی. چاپ چهارم. بیروت: احیاء التراث العربی.
- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). *معجم رجال الحدیث*. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- داور پناه، ابوالفضل. (۱۳۷۵ش). *انوار العرفان فی تفسیر القرآن*. تهران: صدر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. چاپ اول. بیروت: دار العلم الدار الشامیه.
- شریعتی، علی. (بی تا). *فلسفه نیایش*. بی جا.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۵ش). *نهج البلاغه*. ترجمه علی جعفری. چاپ چهارم. هران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل. (بی تا). *مکارم الاخلاق*. ترجمه ابراهیم میر باقری. تهران: انتشارات فرهادی.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۱ق). *رجال الشیخ الطوسی*. نجف: انتشارات حیدریه.
- _____ . (بی تا). *الفهرست*. نجف: المکتبه المرتضویه.
- _____ . (۱۳۵۱ش). *المبسوط*. تصحیح محمدباقر بهبودی. بی جا: مکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.

- عطایی، محمد رضا. (۱۳۷۵ش). «بحثی پیرامون دعا». *مجله مشکوه*. شماره ۵۰.
- غفاری، ابراهیم. (۱۳۷۳ش). *آیین نیایش*. چاپ اول. مشهد: آستان قدس.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. چاپ دوم. قم: انتشارات هجرت.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۴۸ش). *رجال الکشی*. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۱ق). *الکافی*. تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ سوم. بیروت: دار صعب - دارالتعارف للمطبوعات.
- گنابادی، سلطان محمد. (۱۳۷۲ش). *بیان السعاده فی مقامات العبادة*. ترجمه حشمت الله ریاضی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة الدرر اخبار الائمة الاطهار*. بیروت: الوفاء.
- مجلسی، محمد تقی. (۱۴۱۴ق). *لوامع صاحبقرانی*. قم: اسماعیلیان.
- مصطفوی کرمانی، محمد. (۱۳۵۱ش). *دعا عامل پیشرفت یا رکود*. تهران: حقیقت.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵ش). *مجموعه آثار مطهری*. سوم. تهران: صدرا.
- نجاتی حسینی، محمود. (۱۳۹۲ش). «دعا: یک کنش اجتماعی-دینی موثر، مستمر، فراگیر (تحلیل ادبیات دعا پژوهی)». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ش ۱.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). *رجال النجاشی*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.